

## علت بدبختی‌های افغانان

### جعلکاری، دروغ‌گویی و فریبکاری میباید

سه واقعیت تلخ فوق‌الذکر که عنوان قرار داده شده از خصایلی است که در حیوانات مشاهده نمیشود اما این خصایل ناپسندیده و منفور که از نگاه اسلامی و انسانی جدی منع و در جوامع بین‌المللی نیز منفورترین و مردودترین خصایل بشری دانسته شده متأسفانه روز به روز جز کلتور و فرهنگ جوامع بشری شده و مخصوصاً در تار و پود جوامع افغانی در داخل و خارج چنان نفوذ نموده که نه تنها افغان‌ها را بطرف بی‌اتفاقی بلکه به تباهی و بدبختی‌های غیر قابل تصور کشانیده.

مطلب من این نیست که اعمال غیر اسلامی و انسانی فوق‌الذکر تنها در کشور عزیز ما صورت میگیرد نخیر حتی در کشور های متمدن و پیشرفته به انواع مختلف نیز صورت میگیرد یعنی طور مثال تولید کشور های چون چین، بنگلادیش، هند، مکزیکو، تایوان را وارد کشورهای خود نموده و لیبیل ویا تاپه کشورهای خود را بالای آن زده بنام تولید کشورهای خود بفروش میرسانند و یا در موقع محاسبه تکسنا سبب میورزند که به نوع از انواع از پرداخت تکسنا گریز نمایند حتی به سویه کانگرسمن‌ها و کمپنی‌های بزرگ رشوه ستانینا صورت گرفته و سیاستمداران‌شان برای رسیدن اهداف سیاسی خود جعلکاری‌ها، دروغ‌گویی‌ها و فریبکاری‌ها را نیز انجام میدهند چنانچه ما شاهد بودیم که قبل از حمله امریکا به عراق (۲۰۰۳م) مقام عالی امریکا یعنی جنرال پاول که وزیر خارجه امریکا در زمان زعامت جورج دبلیو بوش بود برای تغییر ذهنیت جلان بطرفداری اضلاع متحده امریکا تصاویر جعلی حامل انتقال مواد شیمیایی را در سازمان ملل متحد نشان دادند و وثیقه حمله بر عراق را با دروغ‌گویی و فریبکاری از ملل متحد حاصل و عراق را اشغال نمودند.

همچنان بعد از حملات غیر انسانی و غیر اسلامی تاریخ ۱۱ سپتمبر در نیویارک و واشنگتن توسط تروریستان عربی که در امریکا تربیه و زیست میکردند بمنظور اشغال افغانستان چطور موضوع حمله را به طالبان که اعمالشان نیز غیر اسلامی و ضد مدمنیت بود ارتباط داده و بتاریخ ۷ اکتور ۲۰۰۱م بالای افغانستان حملات نظامی خود را آغاز و سپس بعد از اشغال افغانستان بتاریخ ۱۱ اکتوبر فیصله شورای امنیت ملل متحد را حاصل و برای تغییر ذهنیت جلان مخصوصاً ملت مظلوم افغان که هیچگاه عمل تروریستی را انجام نداده بود حملات نظامی و اشغال خود را به افغانستان با دروغ‌گویی و فریبکاری قانونی توجیه نمودند.

بلی جعلکاریه، دروغ‌گویی‌ها و فریبکاری‌ها جلان شمول است اما با تفاوت اینکه در جلان متمدن و مترقی آنچه صورت میگیرد به زودی از طریق منابع خبری افشاء و مراجع قانونی دستبکار شده زود ویا دیر مرتکبین از طریق مراجع قانونی به جزای اعمال خود میرسند و یا قبل از تصمیمگیری مراجع قانونی، شخص و یا مقام متلم، چنین اخلاق را دارند که به عمل غیر قانونی خود اعتراف و از مرجع



مربوط عذرخواهی و به موضوع خاتمه میدهند چنانچه آقای جنرال پاول چندین بار در چنل سی ان ان به اشتباه خود اعتراف کرد و آقای اوباما رئیس جمهور امریکا نیز خودش در سفر اخیر آقای حامد کرزی به امریکا چنین اعتراف کرد "به باور من، نگرانی اساسی رئیس جمهور کرزی که واضح است که شما این نگرانی را مسقیماً از زبان خود وی نیز خواهید شنید این است

که مطمئن شویم که حاکمیت افغانستان مورد احترام قرار گیرد و اگر قرار باشد شماری از نیروهای ما پس از سال ۲۰۱۴م در افغانستان باقی بمانند، باید به دعوت حکومت افغانستان صورت گیرد و حکومت افغانستان باید با آن احساس راحتی و آرامش کند. (مقاله مؤرخ ۱۸ جنوری ۲۰۱۳م اینجانب تحت عنوان "دست آورد ملاقات اوباما و کرزی چه بود")

جای تأسف اینست که در جوامع افغانی شخصیت‌های دانشمند و عالم که لاف از قانونیت، انسانیت، اسلامیت و عدالت میزنند بیشتر از انسان‌های بی علم و بیدانش مرتکب اعمالی چون جعلکاری‌ها، دروغکاری‌ها و فریبکاری‌ها میشوند و وقتی اسناد مؤثق و قانونی به رخشان کشیده میشود در عوض اینکه از اعمال خود شرمساری نموده و معذرت خواهی کنند برعکس با دیده درانی از خود دفاع و یا با عصبانیت از جواب دادن طفره رفته و قطع علایق میکنند.

اگر ما به گذشته نزدیک مادروطن خود نظری اندازیم به ملاحظ میرسد که سه واقعیت غیر اسلامی و غیر اخلاقی فوق الذکر در سه دهه اخیر بصورت وسیع بشکل کشور شمول دامنگیر جوامع افغانی ما گردیده و هر روز از طریق منابع خبری و یا قانونی از جعلکاری‌ها، دروغگوئی‌ها و فریبکاری‌های مراجع مختلف یعنی از بالا ترین الی پائینترین مقام‌های سه گانه دولتی بشمول رهبران تنظیمی و حزبی میشنویم و حتی میبینیم که برای پیروزی‌های نامشروع خود با کلمات فریبنده بسیار محیلانه خود را در لباس و چلرہ های شخصیت متمدن صادق و یا مسلمان منزہ از تمام گناه ها در جوامع ما ظاهر با دروغگوئی و فریبکاری از جعلکاری و خیانت‌های خود و حتی از اعمال زد بشری و غیر اخلاقی خود با دیده درایی انکار میورزند.

از عوامل ملم مروج شدن چنین واقعیت‌های تباہ کن در مادروطن عزیز ما اینست که در سه دهه اخیر یک تعداد شخصیت‌های کس و ناکس خود را به قدرت‌های بیرونی فروخته و صاحب زور و زر گردیده اند و امروز در سطح دولت مرکزی، ولایات، ولسوالی‌ها و قریه جات قرار گرفته هر آنچه را آندا خودشان و یا بادرانشان میخواهند با استفاده از زور و زر، جعلکاری‌ها، فریبکاری‌ها و دروغگوئی‌ها با بلند نمودن شعارهای دروغین اسلامی و فریاد از آزادی و دیموکراسی خود را بحیث شخصیت‌های ملی و وطن دوست مشروعیت بخشیده و بحیث یگانه ناجی ملت و کشور از بدبختی‌های دامنگیر معرفی و برای تداوم قدرت خود و بادران بیرونی شان عمل می نمایند.

ما در دوازده سال گذشته از جعلکاری‌ها در قانون اساسی الی انتخابات مقام ریاست جمهوری، نماینده گان ولسی جرگه، شورا های ولایتی، ترتیب قباله های جعلی برای غصب ملکیت‌های دولتی و شخصی، رشوه ستانی‌ها و غیره و غیره که بر مبنای دروغ‌گوئی‌ها برای فریب ملت صورت گرفته می‌باشیم.

همچنان در اکثر جوامع افغانی خارج از مادروطن عزیز ما افغانستان که میلیون‌ها خواهر و برادر افغان ما بنا بر جبر زمان ترک مادروطن نموده اند و در جوامع فاقد فرهنگ، کلتور و عنعنات اجتماعی افغانی زیست می‌کنند نسبت نبود مراکز اجتماعی و کلتوری که جوابگوی تمام نیازمندی‌های جوامع افغانی باشد و نسل‌های جوان ما بتوانند هویت اصیل افغانی خود را حفظ و در کشورهای مقیم به افتخار و سربلندی خود را بحیث افغان معرفی و برای کشور مقیم و مادروطن آبای و اجدادی خود مثمر ثمری باشند ندارند و اگر سیع و تلاش هم بعمل آمده که چنین مرکزی یا اتحادیه ای ایجاد شود یک تعداد بنا بر خود خواهی های شخصی، جنون به گرفتن ریاست مرکز (اتحادیه) و یا روابط با احزاب و تنظیم‌های وقت و امروزی در داخل افغانستان برای پیشبرد مرام‌های غیر ملی آنها تلاش نموده اند که با جعلکاری، دروغ‌گوئی و فریبکاری قدرت را از جوامع خود غصب و برای منافع خود و یا بدارانشان با خاک زدن به چشمان یک تعداد از هم می‌ننان پاک، صادق و خوش‌باور قدرت و صلاحیت تصمیم‌گیری بالای سرنوشت افغانان را منحصر به فرد و یا یک گروه مشخص نموده اند، گاهی بنام اسلام و گاهی به این نام و یا آن نام دیگر افغانان را فریب و نسل‌های امروزی و فردا را نه تنها محروم از آموزش اسلام واقعی و فرهنگی افغانی نموده اند بلکه افغانان را متفرق و نمی‌خواهند خواهران و برادران افغان با هم متحد و برای جامعه خود مثمر باشند.

طور مثال اتحادیه افغان‌های مقیم در برتس کولمبیا که من نیز افتخار عضویت مؤسس آنرا با انتخاب شدنم در سه جرگه دارم بیست و چهل سال قبل با یک عشق و علاقه خاصی برای نسل‌های جوان همان زمان و نسل‌های بعدی ایجاد شد اما متأسفانه عده ای از شخصیت‌های مضر که منافع خودشان مالمتر نسبت به منافع افغانان بود قبل از راجستر شدن اتحادیه به منظور رسیدن اهداف پلید خود در پشت پرده قسمت از اساسنامه را تحریف و حتی عده ای از اعضاء مؤسس اتحادیه را که با رای آزاد از طرف افغان‌های مقیم در جرگه ها انتخاب شده بودند با جعلکاری بصورت مخفی در دوائیر دولتی از حق مشروع شان محروم و برای فریب فامیل‌های شان با دروغ‌گوئی‌ها و فریبکاری‌ها در محفلی از آنها یاد بود نموده و برای شان جوایز نیز اهدا گردید و نیز باید متذکر شد که در سال ۲۰۰۳ م بنا بر توطیه دیگری که من خوشبختانه در آن اشتراک نداشتم اساسنامه را تعدیل و حتی پلان داشتند که نام افغان را نیز از اساسنامه حذف نمایند که خوشبختانه در اثر مداخله مستقیم من اقدام غیر ملی شان در نطفه خنثا گردید اما با تأسف در غیاب من موضوعات فرهنگی افغانی ما را که عبارت از آموزش زبان‌های ملی افغانستان، معرفی فرهنگ و کلتور افغانی به جامعه کانادای و بالاخره حفظ هویت ملی افغانی ما بود از اساسنامه حذف و اساسنامه را بنام به اصطلاح عام المنفعه برای اعمار یک مسجد و تدریس دین مقدس اسلام و کمک‌های بشری بود نامگذاری و راجستر نمودند و من مخالفت جدی خود را به ارتباط حذف نمودن موضوعات فرهنگی و کلتوری از اساسنامه در جرگه و همچنان کتبی به اتحادیه اظلال

داشتیم اما متأسفانه گوش شنوا نبود و حتی در طول ده سال آرزوی عالی اعمار یک مسجد آبرومند نیز بنابر بیعلاقگی خواهران و برادران افغان ما به اتحادیه برآورده نشد. یعنی جعلکاری‌ها، دروغ‌گویی‌ها و فریبکاری‌های عده‌ای محدود از مسئولین اتحادیه که منافع خودشان ملامت از منافع افغان‌ها بود افغان‌ها را متفرق و از سلب‌گیری فعال به فعالیت‌های اتحادیه بی‌علاقه ساختند.

قابل تذکر است که من خوشبختانه از طریق وکیل قانونی خود با بدست آوردن اسناد مؤثق از مراجع قانونی ایالت برتس کولمبیا برای اثبات جعلکاری، دروغ‌گویی و فریبکاری عده‌ای از هموطنان خود در ایالت برتس کولمبیا مبارزه عادلانه خود را از آغاز سال ۲۰۱۲م شروع کرده‌ام و عنوان "جعلکاری، دروغ‌گویی و فریبکاری" را در این مقاله بخاطر انتخاب نمودم که وکیل قانونی من بعد از بدست آوردن اسناد و شنیدن داستان غم‌انگیز اتحادیه ما برایم بیان داشت که آقای احمد "اتحادیه شما با جعلکاری آغاز، با دروغ‌گویی و فریبکاری‌ها خاتمه یافته و دوام دارد" بنام گفتار وکیل بالایم تأثیر عمیق نموده و من را به قضایایی ملامت یعنی آنچه در مادروطنم در دوازده سال اخیر گذشته متوجه ساخت لذا خواستم تحت عنوان فوق قضایا و عوامل سوختن مادروطن عزیزم در آتش جنگ و بیعدالتی‌ها را بررسی و با هموطنان عزیز شریک سازم.

در ارتباط به جامعه افغانی ما در ایالت برتس کولمبیا امیدوارم آن‌لایکه در بیست و سه سال گذشته در چهره‌های مختلف افغان‌های مقیم برتس کولمبیا را با جعلکاری و دروغ‌گویی فریب داده اند قبل از اینکه من طبق وعده قبلی اسناد را در فرصت مناسب در یک اجتماع بزرگ افغانی افشاء نمایم خودشان بنا برمسئولیت وجدانی، اخلاقی، ملی و اسلامی همه افغان‌ها را در یک سالون بزرگ دعوت و به جعلکاری‌ها، دروغ‌گویی‌ها و فریبکاری‌های خود اعتراف و از همه افغان‌ها مخصوصاً از آن‌لایکه حق‌شان تلف گردیده معذرت بخواهند و اساسنامه فعلی را به اساسنامه‌ای تعدیل نمایند که تمام نیازمندی‌های افغان‌های امروزی و فردا را برای حفظ هویت افغانی‌شان در بر داشته باشد.

با عرایض و تذکرات فوق متذکر می‌شوم که تا در مادروطن عزیز ما نیز روحیه و اخلاق اعتراف به گناه و عذرخواهی ایجاد نشود و گدالکاران اگر مسلمان اند از خاطر خداوند (ج) و مقدسات و اگر عشق بوطن دارند بخاطر نجات مادروطن از بدبختی‌های دامنگیر مطابق هدایات دین مقدس اسلام و مکلفیت‌های اخلاقی، وجدانی، اسلامی و ملی از اعمال ناشایسته خود در سی و پنجسال گذشته در مقابل ملت عذرخواهی نکنند و یا در صورت انکار از عذرخواهی و طلب عفو از ملت، از طریق مراجع قانونی با صلاحیت داخلی و بین‌المللی عدالت انتقالی که در کانفرانس بن (۲۰۰۱م) بر آن تأکید گردیده عملی نشود ما ملت افغان خوشبختی را نخواهیم دید ولذت آزادی و دیموکراسی واقعی را نخواهیم چشید. خداوند به ملت افغان رهنمای و کمک کند.

پایان